

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 4, Summer 2020, 373-396  
Doi: 10.30465/crtls.2020.5324

**A Critical Analysis of the Book**  
***Verb Valency and Basic Constructions of Sentences in Modern Persian; a Survey based on Dependency Grammar Theory***

**Sepideh Abdolkarimi\***

**Abstract**

The present article is the result of a critical look at the book “*Verb Valency and Basic Constructions of Sentences in Modern Persian; a Survey based on Dependency Grammar Theory*” which is written by Dr. Omid Tabibzadeh in eight chapters. Due to the fact that the dependency approach to grammar in Iran has gained less attention than other grammatical approaches, the lack of the presence of such a book in Persian, introducing this grammatical approach to language researchers interested in this approach, was strongly felt. For this reason, author’s attempt is admirable. One of the challenges the author has faced has been equivalent choices for technical terms in the named approach, and the absence of books in this field in Persian has resulted in the present situation which is the lack of Persian sources in Dependency Grammar. Because of the mentioned lack, sometimes we face a variety of technical terms, ambiguous definitions, and counterexamples in traditional grammars. Therefore, this article is the introduction of the book, its chapters, its strong points, and also its weak points.

**Keywords:** Dependency Grammar, Critical Analysis, Valency Structure of the Verb, Basic Construction of Sentence.

---

\* Assistant Professor, Department of Linguistics, Faculty of Letters and Humanity, Shahid Beheshti University, Iran, s\_abdolkarimi@sbu.ac.ir

Date received: 2019-12-30, Date of acceptance: 2020-04-21

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نقد و تحلیل کتاب

### ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی

سپیده عبدالکریمی\*

#### چکیده

مقاله حاضر محصول نگاهی به کتاب ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی است که امید طیب‌زاده آن را مشتمل بر هشت فصل نگاشته است. باتوجه به آن که چنین رویکردی به دستور زبان در ایران درصد کم‌تری از مطالعات و بحث‌های زبان‌شناختی را به‌خود اختصاص داده است، جای خالی کتابی که نگرش اخیر را به زبان‌پژوهان علاقه‌مند، آن هم به زبان فارسی، معرفی کند، به شدت محسوس بوده است. به همین دلیل، کوشش نگارنده این اثر ستودنی و شایسته سپاس‌گزاری است. به جرئت می‌توان گفت یکی از امور حساسی که برعهده نگارنده این اثر بوده معرفی واژه‌ها و اصطلاحات این حوزه تخصصی و نیز توضیح و تبیین آن‌ها بوده است؛ زیرا در زمینه کاربرد اصطلاحات دستوری، به‌ویژه در دستورهای سستی و حتی در آثاری که درباره ساخت زبان فارسی نگاشته شده‌اند، گاه تشتت اصطلاحات تخصصی، تعاریف نادقیق، و مثال‌های نقض را برای آن تعاریف شاهدیم. کتاب یادشده ویژگی‌های مثبت بسیاری دارد و البته پیش‌نهادهایی نیز به ذهن مرورگر این کتاب رسیده است که در صورت صلاح‌دید و پسند نگارنده شاید بتواند گره‌های کوچکی را از ذهن مخاطب کتاب بگشاید.

**کلیدواژه‌ها:** دستور وابستگی، نقد تحلیلی، ساخت ظرفیتی فعل، ساخت بنیادین جمله.

\* عضو هیئت علمی و استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، s\_abdolkarimi@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

## ۱. مقدمه

دستورهای صورت‌گرا (formal grammars) صرفاً به توصیف نمی‌پردازند، بلکه درصدد تبیین چگونگی توضیح کارکرد زبان‌اند (Finch 2000: 80). دستور وابستگی (dependency grammar) نیز ذیل دستورهای صورت‌گرا قرار می‌گیرد. در این رویکرد دستوری «گونه‌های مختلف وابستگی میان عناصر یک ساخت ابزاری برای توضیح روابط دستوری به‌شمار می‌رود» (Crystal 2006: 137). در دستور وابستگی هر وابسته (dependent) بر وجود عنصر دیگری دلالت می‌کند (Matthews 2011: 98). برای مثال هر صفت بر وجود اسمی دلالت می‌کند که صفت یادشده وابسته آن به‌شمار می‌رود.

کتاب *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی* کتابی است که امید طیب‌زاده آن را مشتمل بر هشت فصل نگاشته و نشر مرکز آن را در پانصد نسخه به‌چاپ رسانده است. چاپ نخست کتاب مربوط به سال ۱۳۸۵ و چاپ دوم کتاب، که مرور و نقد شده، مربوط به سال ۱۳۹۳ است. از آن‌جاکه دستور وابستگی در مطالعات زبان‌شناختی ایرانیان کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و دانشجویان رشته‌های مرتبط و زبان‌پژوهان علاقه‌مند به مطالعات دستوری کم‌تر با چنین رویکردی به مطالعه دستور زبان آشنا نیستند، جای خالی کتابی که نگرش یادشده را به زبان‌پژوهان علاقه‌مند معرفی کند، آن هم به زبان فارسی، به‌شدت محسوس بوده است. مباحث مطرح در چهارچوب دستور وابستگی به‌صورت پراکنده در مقالاتی مطرح شده و تحلیل‌هایی بر این اساس صورت گرفته، اما سابقه نگارش کتابی جامع در این حوزه با معرفی مفاهیم تخصصی و ارائه تحلیل‌هایی برای نمونه از زبان فارسی وجود نداشته است و همین امر بر ارزش این کتاب افزوده است.

در این مقاله، پس از معرفی مختصر ساختار کتاب که مشتمل بر بخش‌ها و فصل‌های کتاب است، بحث دربارهٔ مواردی به‌میان می‌آید که به‌دلیل محدودیت‌های احتمالی‌ای که نگارنده با آن‌ها روبه‌رو بوده این امکان را به‌وجود آورده است که مخاطبان کتاب با اندک ابهامی روبه‌رو شوند. نکته مهم آن‌که، باتوجه‌به وضوح و کفایت توضیحات نگارنده در کتاب و اختصاص ۳۶ صفحه به معرفی تاریخچه دستور وابستگی و مفاهیم مطرح در این رویکرد دستوری، توضیح دوباره نگارنده این سطور دربارهٔ رویکرد دستوری یادشده خالی از لطف و غیرضروری خواهد بود. بنابراین، مخاطبان علاقه‌مند به مطالعه در این حوزه به کتاب‌های *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس*

نظریه دستور وابستگی (طیب‌زاده ۱۳۸۵) و دستور زبان فارسی؛ براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی (طیب‌زاده ۱۳۹۱) ارجاع داده می‌شوند.

ذکر دو نکته درباره موارد ابهام‌ساز یا مشکل‌دار در کتاب بایسته می‌نماید؛ یکی این‌که مسلماً بروز موارد یادشده ممکن است عامدانه و با در نظر گرفتن هدفی خاص از سوی نگارنده باشد، اما درباره عمد نگارنده توضیحی وجود ندارد و دوم این‌که این موارد معدودند و ذکر آن‌ها از ارزش کتاب و جایگاه والای آن در میان کتاب‌های زبان‌شناسی نمی‌کاهد.

## ۲. ساختار کتاب

کتاب ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی هشت فصل دارد. این هشت فصل در بخش‌های مجزا قرار نگرفته‌اند، بلکه به ترتیب بدنه اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند. افزون‌بر هشت فصل اصلی، کتاب پیش‌گفتار، مقدمه، و فهرست مأخذ نیز دارد. پس از فهرست مطالب، پیش‌گفتار نگارنده درج شده است که مطالب آن صمیمانه و با صداقت تام بیان شده‌اند و همین امر است که سبب می‌شود مخاطب با آن رابطه‌ای صمیمانه برقرار کند و کنج‌کاو شود که از نتایج زحمات ده‌ساله نگارنده آگاه شود. افزون‌براین، در این بخش به نکات مهم و دسته‌بندی‌های ارزنده‌ای نیز اشاره شده است که ذکر آن با تفصیل بیش‌تر در بخش‌های آتی خواهد آمد. در بخش مقدمه نیز تصویری کلی از دستور وابستگی و طرح کلی کتاب ارائه شده است؛ پس از آن، هشت فصل کتاب و فهرست مأخذ آمده است.

مهم‌ترین امتیاز کتاب را شاید بتوان به دست‌دادن الگو(ها)یی دانست که همه جملات زبان فارسی براساس آن(ها) شکل می‌گیرد. ارائه چنین الگو(ها)یی گامی بلند و مهم برای زبان فارسی محسوب می‌شود و نگارنده آن را در چهارچوب دستور وابستگی به‌خوبی برداشته است.

### ۱,۲ پیش‌گفتار و مقدمه

چنان‌که ذکر شد، پیش‌گفتار متنی روان و صمیمی دارد و مخاطب کتاب را با نگارنده در مراحل نه‌چندان ساده نگارش کتاب هم‌راه می‌کند. افزون‌براین، در این بخش معیار تلقی فعل مرکب به‌روشنی بیان شده است، مفاهیم جدیدی که قرار است در ادامه پیش‌روی مخاطب قرار بگیرد معرفی شده است، و هدف از نوشتن چنین دستوری برای زبان فارسی نیز مشخصاً در صفحه یازدهم کتاب شرح داده شده است.

در بخش مقدمه، تصویری کلی از دستور وابستگی هم‌راه با مثال ارائه شده است که مخاطب کتاب را برای ورود به بحث آماده می‌کند. هم‌چنین، در این بخش مشخص شده که پیکره مورد بررسی از کدام گونه زبان فارسی برگرفته شده است، منابعی که مبنای تعریف مفاهیم نظری هم‌چون متمم بوده‌اند مشخص شده‌اند، طرح مسئله صورت گرفته است، و اهداف نگارنده نیز مشخص شده‌اند. به کاربردهای پژوهش اشاره شده و ساختار کتاب نیز به روشنی ترسیم شده است.

## ۲,۲ فصل اول

فصل نخست کتاب، که به توضیح درباره دستور وابستگی اختصاص داده شده است، ده زیربخش دارد. در پنج زیربخش اول این فصل، پس از توضیح درباره تاریخچه دستور وابستگی درباره ظرفیت نحوی افعال، متمم‌ها و غیرمتمم‌ها، راه‌های تمایز نهادن میان متمم‌ها و غیرمتمم‌ها، و جابه‌جاپذیری متمم‌ها سخن گفته شده است. پنج زیربخش بعدی به توضیح درباره ظرفیت معنایی، نمایش ساخت ظرفیت نحوی، تجزیه جمله در دستور وابستگی، ساخت‌های بنیادین جمله، و دستور وابستگی و واژگان اختصاص داده شده است.

## ۳,۲ فصل دوم

فصل دوم کتاب به ذکر پژوهش‌های پیشین که مرتبط با موضوع کتاب است اختصاص داده شده است. سه پژوهش در این فصل با ذکر عنوان، روش پژوهش، و گزارشی از تقسیم‌بندی‌های نظری موجود در هر اثر معرفی شده است. پژوهش گرانی که آثار آن‌ها در این فصل معرفی شده، عبارت‌اند از سیامک مهاجر قمی (۱۹۷۸)، امید طیب‌زاده (۱۳۸۰)، و شهرام احدی (۲۰۰۱).

## ۴,۲ فصل سوم

فصل سوم کتاب به توضیح درباره مقوله دستوری فعل اختصاص یافته است. در این فصل فعل مقوله‌ای نحوی دانسته شده که به انواع معین در برابر غیرمعین، وجهی در برابر غیروجهی، و ربطی در برابر اصلی تقسیم شده است. در این تقسیم‌بندی، افعال غیرمعین به

دو نوع وجهی و غیروجهی تقسیم می‌شوند و افعال غیروجهی نیز به نوبه خود به دو گروه ربطی و اصلی تقسیم می‌شوند. در ادامه، انواع فعل از حیث ساختاری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در تقسیم‌بندی اخیر افعال ساده، افعال پیش‌وندی، افعال مرکب، افعال پی‌بستی، و عبارتهای فعلی را داریم.

## ۵,۲ فصل چهارم

فصل چهارم، که طولانی‌ترین فصل کتاب است و می‌توان آن را پس از فصل سوم در بردارنده بدنه اصلی بحث به‌شمار آورد، درباره انواع متمم‌های فعل در زبان فارسی توضیح داده است؛ این متمم‌ها عبارت‌اند از فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه‌ای، مفعول نشانه اضافه‌ای، بند متممی، مسند، تمیز، و متمم قیدی. نکته حائز اهمیت، که در بخش‌های آتی نیز با تفصیل بیش‌تر به آن اشاره خواهد شد، این‌که به تشابه‌ها و تفاوت‌های این متمم‌ها نیز اشاره شده است.

## ۶,۲ فصل پنجم

در فصل پنجم به انواع گوناگون جمله‌های بدون فعل اشاره شده است. این جمله‌ها در سه گروه قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از جمله‌های اسمی، شبه‌جمله‌ها، و اصوات.

## ۷,۲ فصل ششم

در فصل ششم کتاب درباره ساخت‌های ظرفیتی فعل بحث شده است و اهمیت چنین بحثی به این نکته برمی‌گردد که مطالب این فصل مقدمه‌ای برای ورود به بحث ساخت‌های بنیادین جمله بوده است. در این فصل، افعالی از فارسی در جمله به‌کار رفته و سپس ساخت ظرفیتی آن‌ها تشریح شده است.

## ۸,۲ فصل هفتم

در فصل هفتم کتاب، چنان‌که عنوان فصل نیز نشان می‌دهد، ساخت‌های بنیادین جمله شرح داده شده است. در این فصل که چهار زیربخش دارد ساخت‌های بنیادین یک‌ظرفیتی، دو‌ظرفیتی، سه‌ظرفیتی، و چهارظرفیتی در بافت جمله مشخص شده است.

## ۹,۲ فصل هشتم

عنوان فصل هشتم کتاب تحلیل دویست جمله و استخراج ساخت‌های بنیادین آن‌هاست. عنوان فصل به‌خوبی معرف محتوای آن است. در این فصل، که شامل ۷۳ صفحه است، دویست جمله با ارجاع به منابعی که جملات از آن‌ها برگرفته شده‌اند ذکر شده و در چهارچوب دستور وابستگی تحلیل شده‌اند.

## ۳. بررسی و تحلیل اثر

در جریان مرور مطالب کتاب، نگارنده این سطور با مواردی برخورد کرده است که از ویژگی‌های ممتاز این اثر به‌شمار می‌رود و آن را به اثری راه‌گشا در زمینه تدریس و آموختن دستور زبان فارسی مبدل ساخته است و ازسوی دیگر به مواردی نیز برخورد کرده که ممکن است در درک کامل و خوب خواننده کتاب از مطلب تأثیر مثبت نداشته باشند. برخی از این موارد به میزان توضیحات ارائه‌شده مربوط است، برخی دیگر به چگونگی توضیحات مربوط است، و برخی موارد دیگر نیز صوری است.

بنابر آنچه گفته شد، بخشی از مواردی که در بخش‌های آتی از نظر خواهند گذشت مواردی‌اند که اصلاح آن‌ها بنابر صلاح‌دید و پسند نگارنده می‌تواند به رفع ابهام‌های احتمالی موجود کمک کند و بر غنای کتاب بیفزاید.

## ۱,۳ فهرست مطالب

در بخش فهرست مطالب، زیرعنوان‌های فصول مختلف ارائه نشده است. وجود زیرعنوان برای زیربخش‌های فصول به تصویرسازی ذهنی مخاطب درخصوص مطالبی که پیش‌رو دارد کمک شایان‌توجهی می‌کند. لذا پیش‌نهاد نگارنده این سطور آن است که مطالب فصل‌ها به زیربخش‌هایی دسته‌بندی و زیرعنوان‌ها در فهرست گنجانده شوند تا مخاطب کتاب تصویر روشن‌تر و دقیق‌تری از محتوای هر فصل داشته باشد.

عنوانی که ذیل فصل سوم آمده است «فعل به‌عنوان مقوله‌ای نحوی» است. انتخاب چنین عنوانی می‌تواند این سوءتفاهم را برای مخاطب کتاب به‌وجود بیاورد که آنچه بدیهی است توضیح داده و اثبات شده است، زیرا واضح است که فعل در زمره مقولات نحوی زبان قرار دارد. با توجه به توضیحات ذیل این عنوان در کتاب، پیش‌نهاد می‌شود عنوان «کارکردهای نحوی افعال» جای‌گزین آن شود. تا سوءبرداشت توضیح بدیهیات از بین برود.



هنگامی که به فصل ششم می‌رسیم، ملاحظه می‌شود که تنها عنوان فصل درج شده است و هیچ زیرعنوانی ذیل آن نیامده است. با توجه به محتوای این فصل از کتاب، امکان بخش‌بندی مطالب آن براساس ظرفیت افعالی که برای مثال آمده‌اند امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. در این صورت، این فصل تنها فصلی نخواهد بود که هیچ زیرعنوانی ذیل آن ذکر نشده است. نداشتن زیرعنوان برای این فصل از کتاب این گمان را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که فصل یادشده فاقد بخش‌بندی منطقی یا مطالب کافی است.

### ۲,۳ پیش‌گفتار و مقدمه

در بخش پیش‌گفتار، معیار تلقی کردن یک فعل به‌عنوان فعل مرکب برای مخاطب کتاب توضیح داده شده است. هم‌چنین، مفاهیمی در این بخش معرفی شده که، با توجه به آموزه‌های دستورهای سنتی و سبقه آموزش دستوری مخاطبان کتاب، نو تلقی می‌شوند و آن‌ها را به خواندن کامل کتاب و پی‌گیری مطالب ترغیب می‌کند. از دیگر نکات مثبت این بخش از کتاب آن است که هدف از نوشتن چنین دستوری برای زبان فارسی نیز مشخصاً در صفحه یازدهم کتاب تشریح شده است و مخاطب کتاب در خواهد یافت که آیا باید به خواندن کتاب، بنابر هدفی که احیاناً دنبال می‌کند، ادامه دهد یا مطالعه آن را به زمانی دیگر واگذارد و از سوی دیگر برای مخاطب مشخص می‌کند که با خواندن کتاب می‌تواند چه هدف‌گذاری‌هایی داشته باشد. در بخش مقدمه، تصویری کلی از دستور وابستگی ارائه شده است که هم‌راهی توضیحات با مثال‌های روشن را باید از نقاط قوت این بخش به‌شمار آورد. هم‌چنین، در این بخش مشخص شده است که پیکره مورد بررسی از کدام گونه زبان فارسی برگرفته شده است و در نتیجه اگر مثال‌های خاصی در ذهن مخاطب از گونه‌های قدیم‌تر فارسی نقش بسته باشد، در خواهد یافت که چنین مثال‌هایی در کتاب گنجانده نشده‌اند؛ اما از سوی دیگر، الگوی ارائه شده در کتاب برای تحلیل مثال‌های ذهنی مخاطب کارآمد خواهند بود. منابع مورد استفاده یا مورد استناد در تعریف مفاهیمی هم‌چون متمم مشخص و تصریح شده‌اند و در نتیجه مخاطب می‌تواند در صورت لزوم و تمایل به آن‌ها مراجعه کند. در بخش مقدمه طرح مسئله نیز صورت گرفته است. به کاربردهای پژوهش اشاره شده و ساختار کتاب نیز به روشنی ترسیم شده است.

در آخرین خط از صفحه شانزدهم کتاب، به‌هنگام توضیح درباره فعل ربطی «شدن» ساخت بنیادین آن به صورت «فعل + مسند + فعل» نمایش داده شده است. واضح است که اولین واژه فعل باید با واژه فاعل / مسندالیه جانشین شود.

### ۳,۳ فصل اول

تاریخچه‌ای که در ابتدای فصل نخست کتاب درباره دستور وابستگی ذکر شده است متناسب با عنوان این بخش (تاریخچه) کوتاه و درعین حال کارآمد است؛ زیرا ذهن مخاطب را برای رویارویی با مطالب آتی کتاب آماده می‌کند.

ذکر معادل‌ها در متن دست‌رسی به آن‌ها را سریع و سهل کرده است و افزون‌براین، در مواردی، مثلاً در صفحه ۲۸ کتاب معادل‌ها به سه زبان مهم اروپایی یعنی انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی ارائه شده‌اند. این امر از ویژگی‌های مثبت متن کتاب به‌شمار می‌رود. در صفحه ۲۸ کتاب فعل «اجاره‌دادن» مثال آورده شده است و درباره این که «به ما» متمم اختیاری این فعل است توضیح داده شده است. در این صفحه آمده است:

علت این که به ما را در جمله فوق از متمم‌های اختیاری فعل می‌دانیم این است که اولاً این متمم با فعل «اجاره‌دادن» به‌کار می‌رود، اما با بسیاری افعال دیگر نمی‌توان از آن استفاده کرد... ثانیاً «اجاره‌دادن» حتی اگر بدون مفعول حرف اضافه‌ای به‌ای هم به‌کار رود، وجود آن مفعول را در خود مستتر دارد...

شایسته است پس از توضیح درباره دلیل اول، نگارنده محترم بر این نکته که متمم خاص یک فعل می‌تواند متمم اختیاری باشد تأکید کنند. حال، وقتی دلیل دوم درخصوص اختیاری‌بودن این متمم بیان می‌شود، توضیح شفاف خواهد بود. با بیان حال حاضر، این احتمال وجود دارد که خواننده تازه‌وارد به این مباحث به‌کاررفتن یک متمم با فعلی خاص را نه دال بر اختیاری‌بودن آن و نه اجباری‌بودن آن بداند. بنابراین، بدون اشاره به این نکته، این توضیح می‌تواند بالقوه دارای ابهام تلقی شود.

در صفحه ۳۰ درباره قید جمله و قید فعل توضیح داده شده است، اما باوجود این که سخن از قید به‌میان آمده است، به قید صفت (دختر خیلی زیبا) و قید قید (او خیلی تند می‌دود) اشاره‌ای نشده است. اشاره به دو نوع قید اخیر از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند بحث درباره انواع قید را به‌عنوان وابسته‌های متمم‌های اجباری و اختیاری تکمیل کند؛ به‌ویژه این که درباره وابسته‌گرفتن مقوله‌های دستوری اسم و صفت نیز در کتاب سخن به‌میان آمده است.

در صفحه ۳۲ اشاره به وجه تفاوت متمم‌های اختیاری با قیدها از ویژگی‌های مثبت و بسیار راه‌گشاست. پیش‌نهاد می‌شود در همین بخش از کتاب درباره انواع محمول‌ها یعنی محمول‌های بالفعل (predicator) و بالقوه (predicate) نیز سخن به‌میان آید؛ زیرا به این نکته

اشاره شده است که «... علاوه بر فعل، اسم‌ها و صفات نیز از جمله کلماتی در زبان هستند که وابسته می‌گیرند»، اما توضیح بیش‌تری در این مورد ارائه نشده است.

محمول‌های بالفعل در جمله می‌توانند به مقوله‌های دستوری متنوعی تعلق داشته باشند: صفت (مانند قرمز، گرسنه،...)، فعل (مانند نوشتن،...)، حرف اضافه (مانند در، بین،...)، و اسم (مانند آرنج،...) (Hurford et al. 2007: 47). ارائه چنین توضیحی از آن‌رو پیش‌نهاد می‌شود که می‌تواند به مخاطب کتاب در مورد محمول‌بودن یا نبودن یک واژه در جمله دید وسیع‌تری ببخشد.

### ۴,۳ فصل دوم

ذکر پیشینه پژوهش در فصل دوم اقدامی ارزش‌مند در جهت آشنا کردن مخاطبان با پژوهش‌های پیشین است و زمینه را برای مطالعات بیش‌تر فراهم می‌آورد. عناوین پژوهش‌هایی که در این فصل به آن‌ها ارجاع داده شده و درباره آن‌ها توضیح داده شده در متن ذکر شده است که این امر ضروری به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عناوین در فهرست منابع و مآخذ قابل‌ردیابی و دسترسی است. بهتر بود که اگر در این فصل از کتاب توضیحاتی نیز درباره منابع غیرایرانی و به‌ویژه منابعی ذکر می‌شد که نگارنده مبانی نظری کتاب را برپایه آن‌ها استوار کرده است.

### ۵,۳ فصل سوم

تمایزی که میان ساخت‌های مجهول و ساخت‌های اسنادی غیرسببی در صفحه ۸۱ ایجاد شده واضح و راه‌گشا است. هم‌چنین، توضیحاتی که درباره ساختمان افعال ارائه شده گویا و مفید است، اما برای انواع افعال که در واقع از اصطلاحات تخصصی به‌شمار می‌روند معادل انگلیسی ارائه نشده است.

در صفحه ۸۷ برای اصطلاح «فعل ربطی مرکب» سرواژه «فرم» ساخته شده که نوآورانه است، اما به دلیل نمایش‌ندادن واژه‌های کوتاه مشخص نیست که شیوه تلفظ دقیق آن کدام است؛ آیا باید آن را به ضم نویسه «ف» خواند یا با کسر آن.

نگارنده در صفحه ۹۲، که درباره عبارت‌های فعلی توضیح داده، آورده است:

عبارت‌های فعلی به افعالی اطلاق می‌شود که اولاً در اکثر موارد شامل بیش از دو کلمه هستند و ثانیاً گرچه یک واحد مستقل واژگانی محسوب می‌شوند، روابط میان اجزای آن‌ها از نوع روابط نحوی است.

با وجود این که از عبارت «در اکثر موارد» استفاده شده است، مثالی از عبارت‌های فعلی که شامل دو واژه باشند ارائه نشده است و این پرسش برای مخاطب بدون پاسخ می‌ماند که آیا می‌توان عبارت‌های فعلی را یافت که مشتمل بر دو واژه باشند و روابط میان اجزای آن‌ها از نوع روابط نحوی باشد.

### ۶,۳ فصل چهارم

در سراسر کتاب، هر جا امکان بروز سوء تفاهم وجود داشته است توضیح لازم ارائه شده و دربارهٔ وجوه تمایز مفاهیم توضیح کافی همراه با مثال آورده شده است؛ از جمله در صفحه ۹۹، که میان فعل مرکب با فاعل محذوف و سایر انواع زنجیره‌های «صفت یا اسم + بودن یا شدن» تمایز گذاشته شده، اشاره شده است که در سایر زنجیره‌هایی که فعل مرکب با فاعل محذوف نیستند اولاً بدون بند متممی به کار می‌روند و ثانیاً شناسهٔ فاعلی در آن‌ها برای تمام اشخاص صرف‌شدنی است. در صفحه ۱۰۰ نیز دربارهٔ شیوهٔ علامت‌گذاری به‌هنگام اختصارنویسی توضیحات مستدل داده شده است.

در صفحه ۱۰۷، به‌هنگام بحث دربارهٔ نقش تأکیدی «را»، این مثال آورده شده است: «هیچ نداشته باشم، یک پسر را که دارم». در این جمله، چنان‌که در توضیحات نیز آورده شده، مفعول فعل «داشتن» همراه با نشانهٔ «را» به کار رفته و این نشانه برای تأکید آورده شده است. در جملهٔ یادشده «که» نیز هم‌پای «را» برای تأکید نقش ایفا می‌کند، اما به این نکته اشاره‌ای نشده است. افزون‌براین، در سایر مثال‌ها صرفاً «را» است که نقش تأکیدی دارد. بنابراین، یک امکان دیگر نیز این هست این‌که مثال نخست (که همان مثال مورد بحثمان است) نیز بدون درج «که» در جمله به کار رود تا نقش تأکیدی صرفاً برای نشانهٔ «را» محفوظ بماند.

در صفحه ۱۱۵ مخالفت نویسنده برای در نظر گرفتن جهت فعل «داشتن» به عنوان فعلی میانی در چهارچوب دستور وابستگی از منظری صورت‌گرایانه، مستدل، و کاملاً علمی بیان شده است؛ به گونه‌ای که جای شبهه و پرسش ذهنی بی‌پاسخ برای خواننده باقی نمی‌گذارد. در صفحه ۱۱۸، به‌هنگام بحث دربارهٔ افعال مرکب متعدی، نگارنده به درستی اذعان می‌کند که صورت مجهول افعال مرکب متعدی‌ای هم‌چون «گول‌زدن»، «کتک‌زدن»، و «عادت‌دادن» را مشاهده نکرده است، اما از سوی دیگر هیچ بحثی هم دربارهٔ صورت مجهولی که برای افعال مرکب یادشده از طریق کاهش ظرفیت هم‌کرد و جای‌گزینی آن با هم‌کرد دیگری با

ظرفیت کم‌تر ساخته می‌شود مطرح نکرده است. صورت‌های «گول خوردن»، «کتک خوردن»، و «عادت کردن» صورت‌های مجهول افعال مرکب یادشده تلقی می‌شوند. البته نگارنده این سطور بر این نکته واقف است که این شیوه مجهول‌سازی صوری نیست و در رویکردی صورت‌گرایانه مانند دستور وابستگی ای‌بسا جای طرح مستقیم نداشته باشد، اما اشاره به آن حتی در قالب پانویس بی‌ثمر نبوده و می‌توانسته است به این مسئله ذهنی مخاطبان کتاب پاسخ گوید که در هر حال این افعال صورت مجهول در زبان فارسی دارند.<sup>۱</sup>

در صفحه ۱۲۶ برای ساخته شدن حروف پیش‌اضافه‌ای مرکب دو راه ذکر شده است:

حروف پیش‌اضافه‌ای مرکب به دو طریق ساخته می‌شوند: یکی از طریق ترکیب دو یا سه حرف پیش‌اضافه‌ای ساده با هم... و یکی هم از طریق ترکیب حروف پیش‌اضافه‌ای ساده با کلمات دیگر، و نیز به‌کارگیری کلمات دیگر در نقش حروف پیش‌اضافه‌ای.

چنان‌که از بیان رسای نگارنده نیز مشهود است، در واقع سه روش برای ساخته شدن حروف پیش‌اضافه‌ای ارائه شده است، اما در نگارش، بر اثر خطای سهوی عبارت «دو طریق» برای ساخته شدن این حروف ذکر شده است که نیازمند اصلاح است. در انتهای صفحه ۱۲۷ نیز در ارجاع به انگل اشکال حروف چینی (تایپی) به وجود آمده است که با جابه‌جایی واژه‌ها و پرانتز هم‌راه بوده است.

در صفحه ۱۳۱، بحث درباره مفعول نشانه اضافه‌ای موضوع افعال پی‌بستی را به ذهن متبادر می‌کند؛ زیرا رفتار نحوی نسبتاً مشابهی میان این دو وجود دارد. با توجه به این‌که توضیح درباره وجوه تمایز و تشابه مفاهیم و اصطلاحات تخصصی یکی از ویژگی‌های مشهود این اثر است، بهتر بود در این بخش نیز به وجوه تفاوت و تشابه پی‌بستی در افعال پی‌بستی و مفعول نشانه اضافه‌ای اشاره می‌شد.

در صفحه ۱۶۳، به‌هنگام بحث درباره تشخیص بند متممی از دیگر بندهای پیرو، بندهای پیرو در سه گروه قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از بندهای وصفی، بندهای قیدی، و بندهای متممی. بندهای پیرو وصفی و قیدی با شماره‌های ۱ و ۲ در ادامه توضیح داده شده، اما وقتی به بندهای متممی در صفحه ۱۶۸ می‌رسیم، توضیح درباره این بندها در آخرین پاراگراف صفحه یادشده شماره ندارد و همین امر مخاطب را در یافتن توضیح کلی درباره نوع اخیر جملات پیرو سردرگم می‌کند. درست است که بندهای متممی موضوع همین فصل چهارم است، اما براساس تقسیم‌بندی صفحه ۱۶۳ بهتر بود که در صفحه ۱۶۸ این بندها شماره ۳ بگیرند تا خواننده کتاب به دنبال توضیح درباره دسته سوم بندهای پیرو نگردد.

در صفحه ۱۷۳ بر این نکته تأکید شده است که اسم و صفت مانند فعل موضوع می‌گیرند و در ادامه مثال‌هایی از صفاتی ارائه شده است که حتماً باید در جمله دارای متمم باشند؛ مثلاً صفت «مبتنی» که همواره در جمله وابسته می‌پذیرد. با وجود این که مثال‌های ارزش‌مندی ارائه شده از صفاتی که وابسته می‌گیرند، مثالی از اسم‌هایی که وابسته می‌پذیرند طرح نشده است و همین امر می‌تواند دست‌کم بخشی از پرسش‌های ذهنی خواننده تازه‌وارد به بحث‌های نحوی را بدون پاسخ بگذارد. افزون‌براین، به این نکته اشاره نشده است که اسم‌ها و صفت‌ها، هنگامی که در ساخت‌های اسنادی به کار می‌روند، محمول واقع می‌شوند و موضوع می‌پذیرند؛ موضوع آن‌ها در این حالت همان مسندالیه جمله اسنادی/ربطی خواهد بود. اشاره نکردن به این نکته می‌تواند در ذهن خواننده تازه‌وارد به بحث دستور وابستگی ابهام ایجاد کند؛ زیرا بخشی از اطلاعات ارائه‌شده، علی‌رغم درست‌بودن، در تقابل با سایر اطلاعاتی قرار می‌گیرد که پیش‌تر برای او در سایر مباحث نحوی ارائه شده است.

در صفحه ۱۷۵ درک مثال «غذا موجود است» مبتنی بر درک «غذا در این محل موجود است» در نظر گرفته شده و دلیل رسیدن به چنین درکی کثرت استعمال معرفی شده است؛ حال آن‌که از دیدگاه نگارنده این سطور، رسیدن به چنین درکی را به‌سادگی می‌توان مبتنی بر بافت موقعیتی دانست؛ زیرا خواننده تجربه مواجه شدن با چنین جمله‌ای را در مکان‌هایی دارد که مرتبط با تهیه و توزیع غذاست و از این رو حتی اگر پای «کثرت استعمال» جمله اخیر نیز در میان نباشد، بافت موقعیتی نقشی پررنگ در رسیدن به چنین درکی ایفا می‌کند. ویژگی دیگر و در واقع آخرین ویژگی‌ای که می‌توان برای فصل چهارم کتاب برشمرد آن است که پس از توضیح درباره هر متمم به وجوه تمایز آن متمم با سایر متمم‌ها در جمله اشاره شده و معیارهای روشنی برای تمییز آن‌ها از یک‌دیگر ارائه شده است.

### ۷,۳ فصل پنجم

در صفحه ۱۹۸ شبه‌جمله این‌گونه تعریف شده است: «شبه‌جمله‌ها، مانند جمله‌های اسمی، صورت تقلیل‌یافته یک جمله کامل هستند، اما تفاوتشان با جمله‌های اسمی در این است که تنها مرکب از یک جزء هستند». در بخش آخر این تعریف، هنگامی که به وجه تمایز شبه‌جمله‌ها با جمله‌های اسمی اشاره می‌شود، باید به این نکته توجه داشت که وقتی جمله‌های اسمی تنها یک جزء دارند، دیگر نمی‌توان آن‌ها را مرکب به حساب آورد؛ زیرا خود واژه مرکب به معنای «ترکیب‌یافته از» است. بهتر بود نگارنده محترم جمله را به این صورت بازنویسی می‌کرد: «شبه‌جمله‌ها تنها یک جزء دارند».

پرسشی که در مورد فصل پنجم به ذهن خطور می‌کند آن‌که چرا این فصل، با توجه به حجم اندک آن و موضوع متفاوت آن با سایر فصول، آخرین فصل کتاب یا فصل یکی مانده به آخر انتخاب نشده است. اگر نگارنده در این مورد توضیحی داشته است، ذکر نکردن آن پرسش فوق را در ذهن مخاطب بدون پاسخ گذاشته است.

### ۸,۳ فصل ششم

افعالی که برای نمونه در فصل ششم تحلیل شده‌اند «نگاه کردن» و «کمک کردن» هستند، یعنی یک فعل دوظرفیتی و یک فعل سه‌ظرفیتی. بسیار بهتر بود که فعلی تک‌ظرفیتی و چهارظرفیتی نیز تحلیل می‌شد تا از یک سو فهرست مثال‌های تحلیل‌شده در این فصل کامل‌تر باشد و از سوی دیگر تناسب بهتری بین این فصل و فصل بعدی برقرار می‌شد که به تحلیل ساخت‌های بنیادین جمله از تک‌ظرفیتی تا چهارظرفیتی می‌پردازد.

### ۹,۳ فصل هفتم

در صفحه ۲۰۶ کتاب میان ساخت بنیادین جمله و جمله ساده تمایزی برقرار و توضیح داده شده که بسیار به‌جا و ضروری بوده و برای ذهن مخاطبان کتاب، به‌ویژه تازه‌واردان به حوزه مطالعات دستوری، گره‌گشا است.

با توجه به عنوان فصل هشتم، که تحلیل دویست جمله و استخراج ساخت‌های بنیادین آن‌هاست، پرونده بحث درباره مفاهیم تخصصی در فصل هفتم کاملاً بسته می‌شود و پرسش مهمی که پس از پایان فصل هفتم به ذهن خطور می‌کند آن‌که «چرا دستور وابستگی؟». وجه تسمیه این رویکرد، هم در ذهن مخاطب و هم در سایر منابع تخصصی در این زمینه، قابل‌ردیابی و استنباط می‌نماید، اما انتظار می‌رود که نگارنده درباره آن توضیحی ارائه کند تا مخاطبان کتاب به حدس و گمان وادار نشوند. انتظار ارائه چنین توضیحی شاید به دلیل سایر توضیحات شیوا و به‌جای نگارنده پدید آمده است که تا حد امکان سعی در ابهام‌زدایی از ذهن مخاطب داشته است.

### ۱۰,۳ فصل هشتم

نمونه‌هایی که در فصل هشتم کتاب برای تحلیل ذکر شده‌اند مستندند. ارجاع و تحلیل دقیق مثال‌ها در این فصل از دیگر ویژگی‌های برجسته و ممتاز این کتاب است.

### ۱۱,۳ واژه‌نامه و نمایه

علی‌رغم ویژگی‌های برجسته و ممتاز این کتاب، در پایان مطالب، واژه‌نامه و نیز نمایه (نمایه نام‌ها و نمایه موضوعی) دیده نمی‌شود. فقدان این دو بخش را می‌توان از معدود نقاط ضعف کتاب به‌شمار آورد. وجود واژه‌نامه، افزون‌براین که راه را برای نگارش فرهنگ‌های توصیفی تخصصی هموار می‌کند، گامی نیز در جهت یک‌سان‌سازی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی دستور و ابستگی محسوب می‌شود. اگر واژه‌نامه توصیفی در پایان کتاب گنجانده می‌شد، دستیابی به توضیحات تخصصی مرتبط برای مخاطب سهل‌وصول‌تر می‌شد. وجود نمایه نیز می‌تواند دسترسی مخاطب را به نام‌های خاصی که گاه به ارجاع آن‌ها در کتاب نیاز پیدا می‌شود آسان‌تر کند و هم‌چنین امکان یافتن تعاریف و توضیحات مربوط به مفاهیم تخصصی را در کتاب سهل‌تر می‌کند. افزون‌براین، نمایه موضوعی می‌تواند در یک نظر به خواننده کتاب مباحثی را نشان دهد که در متن کتاب از آن‌ها سخن گفته شده و درباره آن‌ها توضیح داده شده است و علاوه‌براین فراوانی نسبی سخن‌گفتن درباره آن‌ها را نیز نشان می‌دهد.

### ۴. جمع‌بندی

جایگاه کتاب ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور و ابستگی در فضای زبان‌شناسی کشور بدون تردید جایگاهی والا است. تعاریف و توضیحات کلی مندرج در دستورهای سستی، که گاه برایشان مثال نقض هم می‌توان یافت، مثال‌های ذهنی دانشجویان و زبان‌پژوهان که در دسته‌بندی‌های موجود دستوری جای نمی‌گیرند، و رویکرهای نسبتاً نوین که بس ریاضی‌گونه به توصیف‌های دستوری می‌پردازند، جای خالی اثری مانند کتاب ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور و ابستگی را بیش از پیش نمایان کرده بودند. از نظر نگارنده نقد حاضر، از مباحث این کتاب می‌توان برای تدریس درس «ساخت زبان فارسی»، «نحو زبان فارسی»، و نیز «مقدمات زبان‌شناسی» برای دانشجویان رشته‌های فرهنگ و زبان‌های باستانی، ادبیات فارسی، و سایر رشته‌های مرتبط با زبان‌شناسی بهره برد؛ زیرا بیش از هر کتاب دیگری در این حوزه دارای دسته‌بندی‌های ملموس، میزها، و توضیحاتی است که از واقعیت روان‌شناختی برخوردارند و می‌توان بدون گرفتار آمدن در پیچیدگی‌های عجیب بر آن‌ها صحه گذاشت.



واقعیتی که نمی‌توان از نظر دور داشت این که اثری را، نه در قالب ترجمه و نه در قالب تألیف، نمی‌توان یافت که عاری از مواردی باشد که به اصلاح نیاز نداشته باشد. شرح پیش‌نهادها در متن آمده است و در این بخش، صرفاً به صورت فهرست‌وار به مهم‌ترین نکات ذکر شده در متن نگاهی اجمالی خواهیم داشت. بنابر آنچه درباره ترجمه کتاب یاد شده ذکر شد، می‌توان موارد ذیل را نقاط قوت این ترجمه به‌شمار آورد:

- در بخش پیش‌گفتار معیار تلقی کردن یک فعل به فعل مرکب برای مخاطب/ مخاطبان کتاب توضیح داده شده است؛
- مفاهیمی در پیش‌گفتار معرفی شده که، با توجه به آموزه‌های دستورهای سستی و سبقت آموزش دستوری مخاطبان کتاب، نو هستند و آن‌ها را به خواندن کامل کتاب و پی‌گیری مطالب ترغیب می‌کنند؛
- از دیگر نکات مثبت پیش‌گفتار کتاب آن که هدف از نوشتن چنین دستوری برای زبان فارسی نیز مشخصاً در صفحه یازدهم کتاب شرح داده شده است و مخاطب کتاب در خواهد یافت که آیا باید به خواندن کتاب، بنابر هدفی که احیاناً دنبال می‌کند، ادامه دهد یا مطالعه آن را به زمانی دیگر واگذارد و از سوی دیگر برای مخاطب مشخص می‌کند که با خواندن کتاب می‌تواند چه هدف‌گذاری‌هایی داشته باشد؛
- در بخش مقدمه، تصویری کلی از دستور وابستگی ارائه شده است که هم‌راهی توضیحات با مثال‌های روشن را باید از نقاط قوت کتاب به‌شمار آورد.
- در بخش مقدمه، هم‌چنین مشخص شده است که پیکره مورد بررسی از کدام گونه زبان فارسی برگرفته شده است و در نتیجه اگر مثال‌های خاصی در ذهن مخاطب از گونه‌های قدیم‌تر فارسی نقش بسته باشد، در خواهد یافت که چنین مثال‌هایی در کتاب گنجانده نشده‌اند، اما از سوی دیگر، الگوی ارائه شده در کتاب برای تحلیل مثال‌های ذهنی مخاطب کارآمد خواهد بود؛
- منابعی که مبنای تعریف مفاهیم نظری هم‌چون متمم بوده‌اند مشخص شده‌اند و در نتیجه مخاطب می‌تواند در صورت لزوم و تمایل به آن‌ها مراجعه کند. در بخش مقدمه، طرح مسئله نیز صورت گرفته است. به کاربردهای پژوهش اشاره شده و ساختار کتاب نیز به روشنی ترسیم شده است؛
- تاریخچه‌ای که در ابتدای فصل نخست کتاب درباره دستور وابستگی ذکر شده است متناسب با عنوان این بخش (تاریخچه) کوتاه و در عین حال کارآمد است؛ زیرا ذهن مخاطب را برای رویارویی با مطالب آتی کتاب آماده می‌کند؛

- ذکر معادل‌ها در متن دست‌رسی به آن‌ها را سریع و سهل کرده است و افزون‌براین، در مواردی مثلاً در صفحه ۲۸ کتاب معادل‌ها به سه زبان مهم اروپایی یعنی انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی ارائه شده است که این امر از ویژگی‌های مثبت کتاب به‌شمار می‌رود؛
  - ذکر پیشینه پژوهش در فصل دوم اقدامی ارزش‌مند در جهت آشناکردن مخاطبان با پژوهش‌های پیشین است و زمینه را برای مطالعات بیشتر فراهم می‌آورد؛
  - تمایزی که میان ساخت‌های مجهول و ساخت‌های اسنادی غیرسببی در صفحه ۸۱ ایجاد شده واضح و راه‌گشاست. توضیحاتی که درباره ساختمان افعال ارائه شده نیز گویا و مفید است؛
  - در سراسر کتاب، هر جا امکان بروز سوءتفاهم وجود داشته، توضیح لازم ارائه شده و درباره وجوه تمایز مفاهیم توضیح کافی هم‌راه با مثال آورده شده است؛
  - درباره شیوه علامت‌گذاری به‌هنگام اختصارنویسی توضیحات مستدل داده شده است؛
  - پس از توضیح درباره هر متمم به وجوه تمایز آن متمم با سایر متمم‌ها در جمله اشاره شده و معیارهای روشنی برای تمییز آن‌ها از یک‌دیگر ارائه شده است؛
  - میان ساخت بنیادین جمله و جمله ساده در صفحه ۲۰۶ تمایزی برقرار و توضیح داده شده است که بسیار به‌جا و ضروری بوده است و برای ذهن مخاطبان کتاب و به‌ویژه تازه‌واردان به حوزه مطالعات دستوری گره‌گشاست؛
  - نمونه‌هایی که در فصل هشتم کتاب برای تحلیل ذکر شده مستندند. ارجاع و تحلیل دقیق مثال‌ها در این فصل از دیگر ویژگی‌های برجسته و ممتاز این کتاب است.
- در کنار نقاط قوت این کتاب، مواردی که نیازمند اصلاح به‌نظر می‌رسند تا بر غنای کتاب در چاپ‌های بعدی افزوده شود به‌شرح زیر است:
- در بخش فهرست مطالب، برای هیچ‌یک از زیربخش‌های فصول زیرعنوان ذکر نشده است. وجود زیرعنوان به تصویرسازی ذهنی مخاطب، درخصوص مطالبی که پیش رو دارد، کمک شایان‌توجهی می‌کند. لذا پیش‌نهاد نگارنده این‌سطور آن است که برای زیربخش‌های فصول زیرعنوان تعیین شود؛
  - عنوانی که ذیل فصل سوم آمده است «فعل به‌عنوان مقوله‌ای نحوی» است. انتخاب چنین عنوانی می‌تواند این سوءتفاهم را برای مخاطب کتاب به‌وجود آورد که آنچه

بدیهی است توضیح داده و اثبات شده است؛ زیرا پرواضح است که فعل در زمره مقولات نحوی زبان قرار دارد. با توجه به توضیحات ذیل این عنوان در کتاب، پیش‌نهاد می‌شود که عنوان «کارکردهای نحوی افعال» جای‌گزین آن شود؛

- هنگامی که به فصل ششم می‌رسیم، ملاحظه می‌شود که تنها عنوان این فصل درج شده است و هیچ زیر‌عنوانی ذیل آن نیامده است. با توجه به محتوای این فصل از کتاب، بخش‌بندی مطالب آن براساس ظرفیت افعالی که برای مثال آمده‌اند امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. در این صورت، این فصل تنها فصلی نخواهد بود که زیر‌عنوانی ذیل آن ذکر نشده است. وجود نداشتن زیر‌عنوان برای این فصل از کتاب این گمان را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که فصل یادشده فاقد بخش‌بندی منطقی یا مطالب کافی است؛

- در صفحه ۲۸ کتاب فعل «اجاره‌دادن» مثال آورده شده است و درباره این که «به ما» متمم اختیاری این فعل است توضیح داده شده است. شایسته است دلیل اول در خصوص متمم بودن «به ما» ذکر شود و دلیل دوم در خصوص اختیاری بودن این متمم بیان شود؛ زیرا با بیان فعلی نگارنده کتاب، به کار رفتن یک متمم با فعلی خاص نه دال بر اختیاری بودن آن است و نه اجباری بودن آن. بنابراین، بدون اشاره به این نکته، این توضیح می‌تواند دارای ابهام تلقی شود؛

- در صفحه ۳۰ درباره قید جمله و قید فعل توضیح داده شده است، اما با وجود این که سخن از قید به میان آمده است، به قید صفت (دختر خیلی زیبا) و قید قید (او خیلی تند می‌دود) اشاره‌ای نشده است. اشاره به دو نوع قید اخیر از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند بحث درباره انواع قید را به منزله وابسته‌های متمم‌های اجباری و اختیاری تکمیل کند؛

- در صفحه ۳۲ اشاره به وجه تفاوت متمم‌های اختیاری با قیدها از ویژگی‌های مثبت و بسیار راه‌گشاست. پیش‌نهاد می‌شود در همین بخش از کتاب درباره انواع محمول‌ها یعنی محمول‌های بالفعل و بالقوه نیز سخن به میان آید؛ زیرا به این نکته اشاره شده است که «... علاوه بر فعل، اسم‌ها و صفات نیز از جمله کلماتی در زبان هستند که وابسته می‌گیرند»، اما توضیح بیش‌تری در این مورد ارائه نشده است. ارائه چنین توضیحی از آن‌رو پیش‌نهاد می‌شود که می‌تواند به مخاطب کتاب درباره محمول بودن یا نبودن یک واژه در جمله دید وسیع‌تری ببخشد؛

- عناوین پژوهش‌هایی که در این فصل به آن‌ها ارجاع داده شده و درباره آن‌ها توضیح داده شده است در متن ذکر شده است که این امر ضروری به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عناوین در فهرست منابع و مآخذ قابل‌ردیابی و دسترسی است.
- بهتر بود که در این فصل از کتاب توضیحاتی نیز درباره منابع غیرایرانی و به‌ویژه منابعی ذکر می‌شد که نگارنده مبانی نظری کتاب را برپایه آن‌ها استوار کرده است؛
- تمایزی که میان ساخت‌های مجهول و ساخت‌های اسنادی غیرسببی در صفحه ۸۱ ایجاد شده واضح و راه‌گشاست. هم‌چنین، توضیحاتی که درباره ساختمان افعال ارائه شده گویا و مفید است، اما برای انواع افعال که در واقع از اصطلاحات تخصصی به‌شمار می‌روند معادل انگلیسی ارائه نشده است؛
- در صفحه ۸۷ برای اصطلاح «فعل ربطی مرکب» سرواژه «فرم» برای اولین بار ساخته شده که نوآورانه است، اما به دلیل نمایش ندادن واژه‌های کوتاه مشخص نیست که شیوه تلفظ دقیق آن کدام است؛ آیا باید آن را به ضم نویسه «ف» خواند یا با کسر آن؛
- در صفحه ۹۲ در تعریف عبارت‌های فعلی آمده است: «عبارت‌های فعلی به افعالی اطلاق می‌شود که اولاً در اکثر موارد شامل بیش از دو کلمه هستند و ثانیاً گرچه یک واحد مستقل واژگانی محسوب می‌شوند، روابط میان اجزای آن‌ها از نوع روابط نحوی است». با وجود این که از عبارت «در اکثر موارد» استفاده شده، مثالی از عبارت‌های فعلی که شامل دو واژه باشند ارائه نشده است و این پرسش برای مخاطب بدون پاسخ می‌ماند که آیا می‌توان عبارت‌های فعلی را یافت که مشتمل بر دو واژه باشند و روابط میان اجزای آن‌ها از نوع روابط نحوی باشد؛
- در صفحه ۱۰۷، به‌هنگام بحث درباره نقش تأکیدی «را» این مثال آورده شده است: «هیچ نداشته باشم، یک پسر را که دارم». در این جمله، چنان‌که در توضیحات نیز آورده شده است، مفعول فعل «داشتن» به‌هم‌راه نشانه «را» برای تأکید به‌کار رفته است. در جمله یادشده «که» نیز هم‌پای «را» برای تأکید نقش ایفا می‌کند، اما به این نکته اشاره‌ای نشده است. افزون‌براین، در سایر مثال‌ها صرفاً «را» است که نقش تأکیدی دارد. بنابراین، یک امکان دیگر نیز این بوده است که مثال نخست (که همان مثال موردبحثمان است) نیز بدون درج «که» در جمله به‌کار رود؛
- در صفحه ۱۱۵، مخالفت با داشتن جهت میانه در فارسی در چهارچوب دستور وابستگی و از منظری صورت‌گرایانه مستدل و کاملاً علمی بیان شده است؛ به‌گونه‌ای که جای شبهه و پرسش ذهنی بی‌پاسخ برای خواننده باقی نمی‌گذارد؛

- در صفحه ۱۱۸، به‌هنگام بحث دربارهٔ افعال مرکب متعدی، نگارنده به‌درستی اذعان می‌کند که صورت مجهول افعال مرکب متعدی‌ای هم‌چون «گول‌زدن»، «کتک‌زدن»، و «عادت‌دادن» را مشاهده نکرده است، اما از سوی دیگر هیچ بحثی در مورد صورت مجهولی که برای افعال مرکب یادشده از طریق کاهش ظرفیت هم‌کرد و جای‌گزینی آن با هم‌کرد دیگری با ظرفیت کم‌تر مطرح نکرده است. صورت‌های «گول‌خوردن»، «کتک‌خوردن»، و «عادت‌کردن» صورت‌های مجهول افعال مرکب یادشده تلقی می‌شوند. البته نگارندهٔ این سطور بر این نکته واقف است که این شیوهٔ مجهول‌سازی صوری نیست و در رویکردی صورت‌گرایانه‌ای بسا جای طرح مستقیم نداشته باشد، اما اشاره به آن در قالب پانویس بی‌ثمر نبوده است و می‌توانسته است به این مسئله ذهنی مخاطبان کتاب پاسخ گوید که در حال این افعال دارای صورت مجهول در زبان فارسی هستند؛
- در صفحه ۱۲۶ سه روش برای ساخته‌شدن حروف پیش‌اضافه‌ای پیش‌نهاد شده است، اما در نگارش بر اثر خطای سهوی عبارت «دو طریق» برای ساخته‌شدن این حروف ذکر شده است؛
- در صفحه ۱۳۱، بحث دربارهٔ مفعول نشانهٔ اضافه‌ای، موضوع افعال پی‌بستی را به ذهن متبادر می‌کند؛ زیرا رفتار نحوی نسبتاً مشابهی میان این دو وجود دارد. با توجه به این‌که توضیح دربارهٔ وجوه تمایز و تشابه مفاهیم و اصطلاحات تخصصی یکی از ویژگی‌های مشهود این اثر است، بهتر بود که در این بخش نیز به وجوه تفاوت و تشابه پی‌بست در افعال پی‌بستی و مفعول نشانهٔ اضافه‌ای اشاره‌ای می‌شد؛
- در صفحه ۱۶۳، به‌هنگام بحث دربارهٔ تشخیص بند متممی از دیگر بندهای پیرو، بندهای پیرو در سه گروه قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از بندهای وصفی، بندهای قیدی، و بندهای متممی. بندهای پیرو وصفی و قیدی با شماره‌های ۱ و ۲ در ادامه توضیح داده شده‌اند، اما وقتی به بندهای متممی در صفحه ۱۶۸ می‌رسیم، توضیح دربارهٔ این بندها در آخرین پاراگراف صفحهٔ یادشده دارای شماره نیست و همین امر مخاطب را در یافتن توضیح کلی دربارهٔ نوع اخیر جملات پیرو سردرگم می‌کند. درست است که بندهای متممی موضوع همین فصل چهارم هستند، اما براساس تقسیم‌بندی صفحه ۱۶۳ بهتر بود که در صفحه ۱۶۸ شماره ۳ بگیرند تا خواننده کتاب به دنبال آن‌ها نگردد؛

- در صفحه ۱۷۳ بر این نکته تأکید شده است که اسم و صفت مانند فعل موضوع می‌گیرند و در ادامه مثال‌هایی از صفاتی ارائه شده است که حتماً باید در جمله دارای متمم باشند؛ مثلاً صفت «مبتنی» که همواره در جمله وابسته می‌پذیرد. با وجود این که مثال‌های ارزش‌مندی از صفاتی که وابسته می‌گیرند ارائه شده است، مثالی از اسم‌هایی که وابسته می‌پذیرند طرح نشده است و همین امر می‌تواند دست‌کم بخشی از پرسش‌های ذهنی خواننده تازه‌وارد به بحث‌های نحوی را بدون پاسخ بگذارد. افزون‌بر این، به این نکته اشاره نشده است که اسم‌ها و صفت‌ها، هنگامی که در ساخت‌های اسنادی به کار می‌روند، خود محمول واقع می‌شوند و موضوع می‌پذیرند؛ موضوع آن‌ها در این حالت همان مسندالیه جمله اسنادی/ربطی خواهد بود. اشاره نکردن به این نکته می‌تواند در ذهن خواننده تازه‌وارد به بحث دستور وابستگی ابهام ایجاد کند؛ زیرا بخشی از اطلاعات ارائه‌شده، علی‌رغم درست بودن، در تقابل با سایر اطلاعاتی قرار می‌گیرد که پیش‌تر برای او در سایر مباحث نحوی ارائه شده است؛
- در صفحه ۱۷۵ درک مثال «غذا موجود است» مبتنی بر درک «غذا در این محل موجود است» در نظر گرفته شده و دلیل رسیدن به چنین درکی کثرت استعمال معرفی شده است؛ حال آن‌که از دیدگاه نگارنده این سطور رسیدن به چنین درکی را به سادگی می‌توان مبتنی بر بافت موقعیتی دانست؛ زیرا خواننده تجربه مواجه شدن با چنین جمله‌ای را در مکان‌هایی دارد که مرتبط با تهیه و توزیع غذاست و از این رو حتی اگر پای «کثرت استعمال» هم در میان نباشد، بافت موقعیتی نقشی پررنگ در رسیدن به چنین درکی ایفا می‌کند؛
- در صفحه ۱۹۸، هنگامی که به وجه تمایز شبه‌جمله‌ها با جمله‌های اسمی اشاره می‌شود، باید به این نکته توجه داشت که وقتی جمله‌های اسمی تنها یک جزء دارند، دیگر نمی‌توان آن‌ها را مرکب به حساب آورد؛ زیرا خود واژه مرکب به معنای «ترکیب یافته از» است. بهتر بود که نگارنده محترم جمله را به این صورت بازنویسی می‌کرد: «شبه‌جمله‌ها تنها یک جزء دارند»؛
- پرسشی که در مورد فصل پنجم به ذهن خطور می‌کند آن‌که چرا این فصل، با توجه به حجم اندک آن و موضوع متفاوت آن با سایر فصول، آخرین فصل کتاب یا فصل یکی مانده به آخر انتخاب نشده است. اگر نگارنده در این مورد توضیحی داشته است، ذکر نکردن آن پرسش فوق را در ذهن مخاطب بدون پاسخ گذاشته است؛

- افعالی که برای نمونه در فصل ششم تحلیل شده «نگاه کردن» و «کمک کردن» است؛ یعنی یک فعل دوظرفیتی و یک فعل سه‌ظرفیتی. بهتر بود که اگر فعلی تک‌ظرفیتی و چهارظرفیتی نیز تحلیل می‌شد تا از یک سو فهرست مثال‌های تحلیل‌شده در این فصل کامل‌تر باشد و از سوی دیگر تناسب بهتری بین این فصل و فصل بعدی برقرار می‌شد که به تحلیل ساخت‌های بنیادین جمله از تک‌ظرفیتی تا چهارظرفیتی می‌پردازد؛
- پرسش مهمی که پس از پایان فصل هفتم به ذهن خطور می‌کند آن‌که «چرا دستور وابستگی؟». وجه تسمیه این رویکرد قابل‌ردیابی و استنباط می‌نماید، اما انتظار می‌رود نگارنده درباره آن توضیحی ارائه کند تا مخاطبان کتاب به حدس و گمان وادار نشوند. انتظار ارائه چنین توضیحی شاید به دلیل سایر توضیحات شیوا و به جای نگارنده پدید آمده است که تا حد امکان سعی در ابهام‌زدایی از ذهن مخاطب داشته است؛
- علی‌رغم ویژگی‌های برجسته و ممتاز این کتاب، در پایان مطالب، واژه‌نامه و نیز نمایه (نمایه نام‌ها و نمایه موضوعی) دیده نمی‌شود. فقدان این دو بخش را می‌توان از معدود نقاط ضعف کتاب به‌شمار آورد. وجود واژه‌نامه، افزون‌براین‌که راه را برای نگارش فرهنگ‌های توصیفی تخصصی هموار می‌کند، گامی نیز در جهت یک‌سان‌سازی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی دستور وابستگی محسوب می‌شود. اگر واژه‌نامه توصیفی در پایان کتاب گنجانده می‌شد، دست‌یابی به توضیحات تخصصی مرتبط برای مخاطب سهل‌وصول‌تر می‌شد.
- وجود نمایه نیز می‌تواند دست‌رسی مخاطب را به نام‌های خاصی که گاه به ارجاع آن‌ها در کتاب نیاز می‌شود آسان‌تر کند و هم‌چنین امکان یافتن تعاریف و توضیحات مربوط به مفاهیم تخصصی را در کتاب سهل‌تر می‌کند. افزون‌براین، نمایه موضوعی می‌تواند در یک نظر به خواننده کتاب مباحثی را نشان دهد که در متن کتاب از آن‌ها سخن گفته شده و درباره آن‌ها توضیح داده شده است و علاوه‌براین فراوانی نسبی سخن‌گفتن درباره آن‌ها را نیز نشان می‌دهد.

## ۵. نتیجه‌گیری

کتاب ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی، براساس توضیحات مندرج در بخش‌های پیشین و علی‌رغم اصلاحاتی که شایسته اعمال است، کتابی در حوزه دستور زبان فارسی با محوریت بررسی فعل و

ظرفیت‌های این مقوله دستوری است که با زبانی شیوا و متنی روان، به‌دور از توصیف‌های ریاضی‌گونه و پیچیده، از محتوای آن برای تدریس دروس «ساخت زبان فارسی»، «نحو زبان فارسی»، و نیز «مقدمات زبان‌شناسی» برای دانشجویان رشته‌های زبان‌های باستانی ایران، ادبیات فارسی، و سایر رشته‌های مرتبط با زبان‌شناسی می‌توان بهره برد؛ زیرا بیش از هر کتاب دیگری در این حوز دست‌بندی‌های ملموس، ممیزها، و توضیحاتی دارد که از واقعیت روان‌شناختی برخوردارند. محتوای این کتاب را حتی می‌توان درکنار کتب آموزش دستور زبان فارسی در مقطع دبیرستان به‌یاری آموزش گرفت.

### پی‌نوشت

۱. برای بحث بیش‌تر در این زمینه می‌توان رجوع کرد به «مجهول‌سازی افعال مرکب فارسی از منظر معنایی و نظریه معنی‌شناسی مفهومی» (۱۳۹۰: ۱-۱۷)، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی.

### کتاب‌نامه

طیب‌زاده، امید (۱۳۸۵)، *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی*، تهران: نشر مرکز.

طیب‌زاده، امید (۱۳۹۱)، *دستور زبان فارسی؛ براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی*، تهران: نشر مرکز.

Crystal, D. (2012), *Dictionary of Phonetics and Linguistics*, Singapore: Blackwell.

Finch, G. (2005), *Key Concepts in Language and Linguistics*, Palgrave.

Hurford, J. R. et al. (2007), *Semantics: a Coursebook*, UK: Cambridge University Press.

Mathews, P. H. (2011), *Concise Dictionary of Linguistics*, Oxford: Oxford University Press.